



محلات منطقه‌ها

بالا خیابان، پایین خیابان

مادر بزرگ همدانی هر بار با یک نیت راهی مشهد می‌شود

هفتمین زیارت برسد به بچه‌هایم



به خاطر همین دغدغه‌های به‌ظاهر کوچک است که ساعت‌ها رویه ضریح می‌ایستد و با امام (ع) راز و نیاز می‌کند؛ دغدغه‌هایی که هر مادری، در هر سن و سالی، با خود حمل می‌کند.

● آرامشی که راحتی می‌آورد

مهری طالبی برای این باور است هر بار که به حرم آمده، دلش سبک‌تر شده است. شاید اتفاقی ملموس رخ نداده باشد، اما باور دارد: «همین که می‌آییم و خودمان را به امام (ع) می‌سپاریم، خودش آرامش است.» در نگاهش امید موج می‌زند. زنی از دل یک خانواده کشاورز در رزن همدان که زیارت رانه سفری تفریحی، بلکه پناهی برای دل نگرانی‌هایش می‌داند. او می‌گوید: آمده‌ام دعا کنیم حال بچه‌هایم خوب شود. مادرها فقط می‌خواهند حال بچه‌هایشان خوب باشد.

باز شود که خودشان هم بتوانند به زیارت بیایند. دختر و آن یکی پسرم تا حالا زیارت نیامده‌اند. همسرش در همدان مانده و مشغول کار کشاورزی است. گندم و جوی کار و از زمین روزی می‌گیرد. دختر و پسر دیگرش نتوانسته‌اند همراهش بیایند؛ هر کدام به نوعی درگیر زندگی خودشان هستند. وقتی از خانواده‌اش حرف می‌زند، چشمانش پر از اشک می‌شود و ادامه می‌دهد: دختر و پسر و نوه‌هایم آرزوی زیارت امام رضا (ع) را دارند. به نیت خانواده‌ام آمده‌ام. گفتیم بیاییم و از امام (ع) بخواهیم مشکلاتشان حل شود. نایب‌الزبیر بچه‌هایم هستیم.

● دل نگرانی‌های یک مادر

از مشکلاتی که می‌پرسم، به دشواری‌های روزگار اشاره می‌کند: به فشار زندگی، به گرانی‌ها و به نگرانی‌هایی که برای یک مادر، حتی با بزرگ شدن فرزندانش هم تمام نمی‌شود. مادر بزرگ می‌گوید: دخترم مادر دو قلوهاست و پسرم بچه خردسالی دارد که بی‌قراری و گریه‌هایش زیاد است. نگرانی‌هایش ساده و روزمره‌اند. اما برای او عمیق و جدی هستند.

سمیرا شاهیان از آنرانی که از شهرهای دور و نزدیک به حرم مطهر امام رضا (ع) می‌آیند، هر کدام نیت و خواسته‌ای دارند. مهری طالبی، بانویی پنجاه و هشت ساله از شهرستان رزن استان همدان، نیز از این قاعده مستثنا نیست. او در طول ۱۳۰۰ کیلومتری که با قطار از همدان تا مشهد آمده، فکرهای زیادی کرده است. هفتمین بار است که توفیق زیارت یافته، امامی گوید هر بار دلیل آمدنش تازه بوده است؛ هر بار بانیتی متفاوت و دلی مملو از دغدغه‌های خانوادگی.

● سفر با نیت خانواده

مادر بزرگ این بار همراه نوه‌هایش، ملیکا، مهدی و امیرعباس، راهی مشهد شده است. سفرشان با قطار بوده و به گفته خودش «خیلی خوش گذشته است»، اما آنچه او را به این مسیر کشانده، بیش از هر چیز، نیتی خانوادگی است. زائر همدانی با لهجه و صدای آرامش می‌گوید: این باریکی از پسرانم من را آورده است. برای خودم نیامده‌ام. نذر کردم گره از کار فرزندانم



جست و جوی کوچه‌های قدیمی پایین خیابان در میان خاطرات خسروشاهی سرو فالوده کرمانی در سبزی فروشی دایی حسن

سمیرا شاهیان یکی دودده است محله پایین خیابان و کوچه‌هایش چنان دگرگون شده است که کمتر نشانی از خانه‌های قدیمی و محله‌های باصفا گذشته در آن‌ها به چشم می‌خورد. حالا به هر طرف که سر بچرخانی، هتل‌های مرتفع و مراکز خرید تازه‌ساز می‌بینی. در این محله گردی، با جواد پاکباز خسروشاهی، یکی از ساکنان قدیمی پایین خیابان، در وحدت ۱۱ قدم زدیم. مردی که همه شصت سال عمرش را در همین کوچه‌ها گذرانده است. او حالا مقابل ساختمان‌های نوساز، از روزگاری می‌گوید که این محدوده چهره‌ای کاملاً متفاوت داشت.

اینجایی که ایستاده‌ام، دقیقاً مغازه دایی حسن سبزی فروش بود؛ سمت راست جایی که حالا بولوار امیرالمؤمنین (ع) ساخته شده است. بعد از او، آقا محسن کار پدرش را ادامه داد تا اینکه در طرح تخریب، مغازه از بین رفت. دایی حسن فقط سبزی نمی‌فروخت؛ فالوده کرمانی مخصوص خودش هم داشت. در کاسه‌های سفالی قشنگی می‌ریخت و می‌داد دستمان. ماهم جلو مغازه می‌ایستادیم و می‌خوردیم. آن مغازه حال و هوای خودش را داشت.



کوچه داد خواه را قدیم ترها حوض خرابه صدامی زدند. دلیل دقیقش را نمی‌دانم، اما حدود پنجاه سال پیش اینجا چیزی شبیه منبع آب یا آب انبار بود و مردم از آن آب برمی‌داشتند. ما خودمان هیچ وقت از آن استفاده نکردیم، ولی همان ربطش به آب باعث شده بود اسم کوچه این باشد. حالا دیگر از آن بافت قدیمی خبری نیست. فقط یک خانه قدیمی در نزدیکی منبع آب مانده است که آدم را یاد گذشته می‌اندازد.



پشت این فنس‌ها در انتهای وحدت ۱۱ حمام حاجی قلی بود. ما سال‌ها از این مکان استفاده می‌کردیم، تا وقتی خانه‌هایی یکی حمام‌دار شدند. این اطراف دو حمام دیگر هم داشتیم؛ به نام حاجی گاوی و ابوالفضل. یکی شان قبلا گاوداری بود که چند پله به پایین داشت و بعد ها تبدیل به حمام شد. معمولاً بعد از فوتبال در زمین خاکی، مستقیم می‌آمدیم همین جاتاگرد و خاک از تنمان پاک شود.